

Bulgakov, Mikhail
 978-600-182-022-9
 ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۰۲۲-۹
 ۹۷۸۱۸۲۰۲۲۹
 ۹۷۸۱۸۲۰۲۲۹

خاطرات پزشک جوان



نویسنده: میخائیل بولگاکف

ترجمه: فهمیه توزنده جانی

E-mail: info@ketabsraeyandis.com WWW.ketabsraeyandis.com
 Instagram: ketabsraeyandis ketabsraeyandis

خاطرات پزشک جوان

نویسنده: میخائیل بولگاکف

ترجمه: فهمیه توزنده جانی

مجموعه: خاطرات پزشک جوان

۱۳۹۸

۰۰۵



ISBN: 978-600-182-022-9
 ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۰۲۲-۹

این کتاب در راستای اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و با هدف ارتقای فرهنگ مطالعه و ترویج کتابخوانی در میان جوانان و نوجوانان کشور، به منظور آشنایی آنان با سبک زندگی و تفکر پزشکان جوان و همچنین به عنوان یک اثر تاریخی و ادبی، به چاپ رسیده است.

فهرست

مقدمه	۱۱
خاطرات پزشک جوان	۱۱
مرقین	۱۱۳
ابلیس	۱۶۱

مجموعه پیش روی خوانندگان محترم شامل سه داستان «خاطرات پزشک جوان»، «مرقین» و «ابلیس» است.

داستان نخست «خاطرات پزشک جوان» شامل هفت اییزود می باشد که در بین سال های ۱۹۲۶ - ۱۹۲۵ در یکی از مجله های مسکو با امضای مستعار بولگاکف به صورت مجزا چاپ شدند. سپس در سال ۱۹۲۷ داستان دیگری تحت عنوان «مرقین» نیز در همان مجله به چاپ رسید. داستان ها در نوشته های بولگاکف از آغاز سال های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ اتفاق می افتد. در سالی که بولگاکف، خود دانشکده پزشکی را به پایان رسانده بود و کمی بعد به خدمت سربازی احضار شد و در پاییز همان سال ارتش او را به عنوان پزشک به روستای «لیکسکی» در منطقه آستانسک اعزام کرد که خاطرات این دوران را در مجموعه می ذکر شده می آورد. بولگاکف تا سپتامبر ۱۹۱۷ به فعالیت های پزشکی خود در «لیکسکی» ادامه داد و سپس به بیمارستان «ویازما» منتقل شد و پس از انقلاب اکتبر در فوریه ۱۹۱۷ به کن یف بازگشت؛ خیلی از مستقین معتقد بودند که

مقدمه

مجموعه پیش روی خوانندگان محترم شامل سه داستان «خاطرات پزشک جوان»، «مرفین» و «ابلیس» است. داستان نخست «خاطرات پزشک جوان» شامل هفت اپیزود می‌باشد که در بین سال‌های ۱۹۲۶ - ۱۹۲۵ در یکی از مجله‌های مسکو با امضای مستعار بولگاکف به صورت مجزا چاپ شدند. سپس در سال ۱۹۲۷ داستان دیگری تحت عنوان «مرفین» نیز در همان مجله به چاپ رسید. داستان‌ها در نوشته‌های بولگاکف از آغاز سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ اتفاق می‌افتد در سالی که بولگاکف، خود دانشکده پزشکی را به پایان رسانده بود و کمی بعد به خدمت سربازی احضار شد و در پاییز همان سال ارتش او را به عنوان پزشک به روستای «نیکلسکی» در منطقه اسمالنسک اعزام کرد که خاطرات این دوران را در مجموعه‌ی ذکر شده می‌آورد. بولگاکف تا سپتامبر ۱۹۱۷ به فعالیت‌های پزشکی خود در «نیکلسکی» ادامه داد و سپس به بیمارستان «ویازما» منتقل شد و پس از انقلاب اکتبر در فوریه ۱۹۱۷ به کی‌یف بازگشت؛ خیلی از منتقدین معتقد بودند که

تفاوتی از سایر جراحی‌ها در این است که در این روش، بیمار در حالت بیهوشی قرار می‌گیرد و جراحی با استفاده از دستگاه‌های خاص انجام می‌گیرد. این روش برای جراحی‌های پیچیده و حساس بسیار مناسب است و به دلیل استفاده از دستگاه‌های دقیق، امکان دارد که جراحی با دقت بسیار بیشتری انجام شود. همچنین، این روش به بیمار کمترین آسیب را می‌رساند و دوره نقاهت آن نیز کوتاه‌تر است.

حوله‌ای با

خروس گلدوزی شده

اگر کسی جاده‌های خاکی را با اسب نپیموده، در مورد درک آن به من چیزی نگوید، چون هیچ‌کدام از گفته‌هایم را درک نمی‌کند و اگر کسی هم این کار را کرده باشد اصلاً قصد یادآوری مجدد آن را ندارم.

به‌طور خلاصه خواهیم گفت: چهل کیلومتر دورتر از جاده اصلی، در جاده‌ی گراچوکا^۱، به سمت بیمارستان موروسکی^۲، با راهنمای محلی شبانه در راه بودیم. در نهایت حیرت؛ در ساعت دو بامداد روز شانزدهم سپتامبر ۱۹۱۷ برای کمک‌رسانی به این شهر خارق‌العاده‌ی مرزی اعزام شدیم و در ساعت پنج و بیست دقیقه روز هفدهم سپتامبر به شهر مرزی گراچوکا رسیدیم. باران‌های ماه سپتامبر، تمام علفزار بیرون محوطه بیمارستان موروسکی را غرق کرده بود. با پاهای کرخ و

1. Grachevka

2. Morevski